نویسندگان «مردم» نوروز باستانی، جشن رستاخیز بهاری. سرآغاز سال ۱۳۵۱ خورشیدی را

به خوانندگان ارجمند و همهٔ مردم ایران شادباش میگویند. بگذار سال نو سال گسترش پیکار مردم ایران در راه آزادی وعدالت اجتماعی باشد!

دورهٔ ششم — اسفند ۱۳۵۰ — شمارهٔ هشتادم

ماهنامهٔ

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

پیروز باد هشتم مارس، روز بین المللی زنان!

هیئت تحریریه «مردم» هشتم مارس، روز بین المللی زنان، روز مبارزه در راه برابری حقوق، صلح و آزادی را به زنان و دختران ایران صمیمانه شادباش میگوید. یقین داریم که مبارزات زنان ایران در راه دگرگونی مناسبات فرتوت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و خانوادگی و ایجاد مناسبات نوین سرانجام به پیروزی نهائی خواهد رسید!

تحلیلی از بودجه کل سال ۱۳۵۱ دولت

بودجه های کل کشور بویژه از آنجهت که علاوه بر بودجه عادی بودجه عمرانی را نیز در بر میگیرند در زمینه تجدید تولید درجامعه ایران وظائف معین انجام میدهند و نقش معین ایفا میکنند. این بودجه ها آئینه تمام نمای جوانب گوناگون سیاست اقتصادی ـ اجتماعی و تا حدی سیاست خارجی دولت ایران هستند. باینجهت تحلیل حاضر از بودجه کل سال ۱۳۵۱ کشور جنبه تجریدی ندارد و به قصد روشن ساختن جوانب مشخص سیاست اقتصادی و مالی کنونی دولت و عواقب ناشی از آن انجام میگیرد.

دستگاه تبلیغات رسمی رقم بودجه کل سال ۱۳۵۱ کشور را که در مجلسین شورا و سنا بحثهای پر تب و تاب پیرامون آن انجام گرفت «رقم بیسابقه» مینامد. در واقع نیز رقم ۵٫۵۴۸ میلیارد ریال بودجه کل کشور که در حدود ۵۵ درصد تولید نا خالص ملی کشور را تشکیل میدهد رقم بیسابقه ایست، ولی نه با خصلتی که نخست وزیر و دستگاه تبلیغاتی رژیم بآن نسبت میدهند، بلکه با خصیصه ای که در این تحلیل خواهد آمد.

گرد و غبار انتقاد کاذب

بررسی بودجه در مجلس در محیط «داغ» گذشت و حرارت آن از «آتش انتقاد پرسوز و گداز» حزب اقلیت برمیخاست. نخست وزیر ضمن پاسخ باین انتقادات حتی لازم شمرد تصریح کند که: «برای هر فرد ایرانی این آزادی وجود دارد که عقیده و نظر خود را آزادانه بگوید». البته اوچنین

دنباله در صفحه ۲

موج خشم و پیکار برضد بیدادگری رژیم

علیرغم موج اعتراض در سراسر جهان احکام اعدام ده نفر از «محکومان» دادگاه های غیر صالح نظامی با تصویب شاه بمرحله اجرا در آمدوآقایان مسعود و مجید احمدزاده عباس و اسداله مفتاحی، حمید توکلی، سعید آریان، غلامرضا گلبوی، عبدالکریم حاجیان مهدی سوالونی و بهمن آژنگ از طرف دژخیمان رژیم به شهادت رسیدند. این هدیهٔ شوم رژیم استبدادی در آستانهٔ فرا رسیدن سال نو به مردم ایران بود. زمامداران ایران با اقدام به این جنایت بیش از پیش خود را در افکار عمومی جهان بی اعتبار، منفرد و رسوا نمودند.

هنگامیکه نخستین احکام اعدام از دادگاههای نظامی صادر شد، موج وسیعی از حیرت، تنفر و خشم در جهان برخاست. نامه ها، تلگراف ها و پیام های اعتراضی که در هفته های اخیر برای شاه و هویدا ارسال شد، بیانگر نگرانی سازمانها، محافل و شخصیتهائی بود که با پیوستن به جنبش اعتراضی مردم ایران خواستند رژیم را به

دنباله درصفحه ۳

در بارهٔ سفر ریچارد نیکسن به چین

نیکسن در چین

رئیس جمهور امریکا ریچارد نیکسن، پس از یك جریان تدارکی طولانی، همراه راجرز وزیر خارجه و کیسینجر رایزن ویژه رئیس جمهور و دیگر همراهان روز ۲۱ فوریه سال جاری وارد پکن شد. این مسافرت یك هفته بطول انجامید. در این مدت پنج بار مذاکره با چوئن لای نخست وزیر و یکبار با مائوتسه دون انجام گرفت. در پایان مذاکره اعلامیه گذکی منتشر شد.

نکته شایان تذکر در مورد اعلامیهٔ نهائی آنست که در آن از برخی مسائل عمده جهانی حتی یادی هم نشده است از آنجمله است بحران خاور میانه و تجاوز اسرائیل و مسئله مهم خلع سلاح. ناظران بین المللی برآنند که مسکوت گذاشتن مسائل نامبرده تصادفی نیست.

رهبران چین از نیکسن و همراهانش با گرمی و تجلیل زیاد پذیرائی کردند. این جریان بوسیله ماهوارهای مخابراتی در جهان پخش شد. روزنامهٔ نیویورك تایمس روز ۲۱ فوریه در این باره نوشت:

«رهبران چین در برابر انظارعالمیان برای رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا یعنی کسی که سیاهیانش کماکان درجزیره تایوان هستند و افراد مسلح او کماکان عملیات نظامی را در ویت نام ادامه میدهند، پذیرائی صمیمانه‌ای را ترتیب داده‌اند.»

و «کارناتو» مفسر روزنامه مطلع امریکائی «واشنگتن پست» همان روز نوشت: «مائوتسه دون، کسی که در چین مرتبه خدائی دارد، برای آشتی بالقوه بین امریکا و چین، دعای خیر کرد.»

سریت مذاکرات

مذاکرات طولانی بین نیکسن و رهبران چین کاملا سری بود و این سریت‌را اعلامیه کلی و گنگ منتشره در پایان مذاکرات چندان مختل نکرده است. در جریان مذاکره «جان چنلر» رئیس تیم تلویزیونی امریکا در پکن گفت:

«این فوق العاده‌ترین مسافرت رئیس جمهور تنها مسافرت اوست که در جریان آن روزنامه‌نگاران درباره مسائل ماهوی‌در بی‌خبری مطلق نگاه داشته شده‌اند. بین نیکسون و رهبران چین معتبرترین بحث های دوران پس از جنگ دوم جهانی جریان‌دارد ولی‌سد محکمی در مقابل رخنه هر گونه‌خبری کشیده شده است.»

زیگلر سخنگوی «کاخ سفید» در مقابل اعتراض خبرنگاران راجع به سریت مذاکرات تصریح کرد که «طرفین توافق کرده‌اند که مسائل‌مورد مذاکره را به‌هیچوجه افشاء نکنند.»

پس از انتشار اعلامیه نهائی، نیکسن به نمایندگان خبرگزاریهای امریکائی گفت: «ما با رهبران چین توافق کرده‌ایم درباره محتوی اعلامیه سخنی نگوئیم معنی این‌سخن آنست که اعلامیه تنها سندی است که منتشر میشود و محتوی مذاکرات سری‌باقی خواهد ماند.»

آینده نشان خواهد داد که محتوی این مذاکرات سری چه بوده است. ولی از هم اکنون میتوان دربارهٔ آن تصوری‌داشت.

هدف امریکا

خود ریچارد نیکسن در جریان‌مسافرت دربارهٔ مذاکرات خود با چوئن لای گفت: «آنچه که ما اینجا بدان مشغولیم، دنیا را تغییر خواهد داد. چیزی که ما را بهم جمع کرده است آنست که ما دارای منافع مشترکی هستیم که از اختلافات ما بیشتر است.» وی در روی دیوار تاریخی چین به روزنامه نگاران گفت: «امید است یکی از نتائج مسافرت او به پکن آن باشد که دیوار های ایدئولوژیك و فلسفی از میان برداشته شود.»

از این عبارات رمزآمیز نیکسن که بگذریم مطبوعات و رادیو های جهان هدف امریکا را از مسافرت بچین بی پرده تر افشاء کرده‌اند:

از آنجمله مفسر رادیو ایران در تفسیر خود (۲۳ فوریه ۱۹۷۲) دربارهٔ مسافرت نیکسن به چین مطالب‌زیرین را تصریح کرد:

«اولین هدف نیکسن از مسافرت به چین بهره‌برداری از وضع خاصی است که بر اثر اختلاف‌مسکو و پکن در صحنهٔ‌سیاست بین المللی و بالاخص در دنیای کمونیسم بوجود آمده و تغییری که مفسرین معروف دنیا دراین‌مورد می کنند آنست که نیکسن میخواهد دنیای دو قطبی امروز را به دنیای چند قطبی مبدل کند و با ایجاد روابط نزدیك بین امریکا و چین از وحدت عمل دنیای کمونیسم در برابر غرب که تعادل‌فعلی دنیا را بزیان غرب‌تغییر خواهد داد جلوگیری کند.»

باید انصاف داد که مفسر رادیوی ایران دورنمائی را (که البته بمذاق اوست) روشن مطرح کرده است.

روزنامه حزب کمونیست لبنان «النداء» هدف امریکا را در همین زمینه بطریق زیر بیان می کند: «امریکا امیدوار است که با نزدیکی‌به چین جنبش جهانی ضد امپریالیستی را منشعب کند و اختلاف داخلی این جنبش را تشدید نماید و از این راه دست به‌محاصرهٔ شوروی بزند و آن نقش قاطعی را که این کشور در پشتیبانی‌از جنبش انقلابی و مبارزه خلق ها در همهٔ قاره ها علیه امپریالیسم ایفاء مینماید، خنثی سازد.»

هدف چین

دربارهٔ هدف چین، باید از وراء‌عبارت پردازی های بظاهر انقلابی رهبران چین، از روی عمل آنهاقضاوت کرد. اکنون‌دیگر واقعیات متعددی حاکی از آنست که چین با سیاست انشعابگری در جنبش انقلابی،

دنباله در صفحه ٤

دنباله از صفحه ۱

تحلیلی از بودجه کل سال ۱۳۵۱

گفت تا به خارج بنمایاند که در جامعه ایران آنطور ها هم که شایع است قفل بر دهان ها نزده اند!

بهر تقدیر حزب اقلیت در چهار چوب مجلس از «آزادی عقیده» برخوردار بود و ساعتها از وقت جلسات آن به انتقاد نمایندگان این حزب از بودجه گذشت. ولی انتقاد این اقلیت بدانسان که زیبنده آنست بجای افشای جوانب واقعاً معیوب بودجه هدف پرده پوشی این جوانب را بقصد انصراف توجه مردم ایران از مسائل عمده تعقیب میکرد. وقتی گرد و غبار تیره و تار این انتقاد کاذب فرو نشست کاشف بعمل آمد که اقلیت جز در مسائل فرعی یعنی «بورس بازی با زمین، نابسامانی در ادارات، گرانی قیمت ها» و نیز ابراز نگرانی از «اعمال جوانان» و ضرورت «مقابله با خرابکاری» آنان (که معلوم نشد ارتباطش با بودجه چه بود) دیگر هیچ ایرادی به بودجه ندارد. اقلیت در موارد تمام جوانب دیگر بودجه نه تنها با «حزب اکثریت» کاملا همداستان بود، بلکه در زمینه دفاع از جنبه میلیتاریستی بودجه و رقم ۱۰۱ میلیارد ریالی هزینه‌های نظامی وناديده انگاشتن کسری عظیم آن که عملا برقم بی سابقه ای در حدود ۱۴۰ میلیارد ریال میرسد و عواقب تورمی مهلك در پی دارد حتی از آن حزب نیز دوآتشه تر است.

بررسی مشخص اقلام عمده بودجه

درآمد بودجه سال جدید ۵۴۸٫۵ میلیارد ریال دعوی شده و هزینه آن نیزهمین رقم اعلام گردیده است که نسبت به رقم‌بودجه کل سال ۱۳۵۰ برابر۹۴٫۳ میلیارد ریال افزایش دارد. درآمد بودجه مانند سالهای پیش از سه بخش عمده ترکیب میشود:

بودجه عادی، بودجه عمرانی، بودجه مؤسسات وابسته بدولت. یك بخش هم مربوط به درآمد های دولت از دیگر مؤسسات است که بطور نسبی رقم کوچکی است. منابع درآمد های بودجه به شرح زیر است:

جدول شماره ۱

منابع درآمد بودجه کل کشور (۱)

(به میلیارد ریال)

مالیاتهای غیر مستقیم	۶۰٫۸۰۰
مالیاتهای مستقیم	۳۶٫۸۰۰
نفت	۱۷۸٫۲۰۰
سایر درآمد ها	۳۲٫۵۰۰
استفاده از وامهای خارجی	۳۶٫۷۰۰
استفاده از وامهای داخلی و اوراق قرضهٔ دفاعی	۴۱٫۹۰۰
درآمد خالص دولت از شرکتهای دولتی ومؤسسات انتفاعی وابسته بدولت	۱۵۶٫۷۰۰
درآمد های خالص دولت از دیگر مؤسسات	۴٫۹۰۰
جمع	۵۴۸٫۵۰۰

۱ ـ مأخذ ـ اطلاعات و کیهان هوائی ۵ بهمن ۱۳۵۰

آیا بودجه «بدون کسری» است؟

نخست وزیر هنگام طرح لایحه بودجه در مجلس بودجه سال ۱۳۵۱ را بودجه «بدون کسری» نامید و گفت «بودجه حاضر با رشد ۲۱ درصد نسبت بسال قبل و تعادل کامل بین درآمدها و هزینه ها تنظیم گردیده است». «اطلاعات» نوشت: «برای اولین بار پس از سالها بودجه بدون کسری تقدیم شد» (اطلاعات ـ ۵ بهمن ۱۳۵۰).

آیا این دعوی حقیقت دارد؟

تا سال ۱۳۴۵ هنگام تنظیم بودجه دولت آشکارا اعلام میکرد که بودجه فلان قدر کسری دارد. در سال ۱۳۴۵ برای آخرین بار رقم ظاهری کسری بوجه را رسماً ۱٫۶۴۴ میلیارد ریال اعلام کردند (مأخذ: «گزارش سالانه و ترازنامه سال ۱۳۴۵» بانك مرکزی ایران). ولی از سال ۱۳۴۶ به بعد هنگام طرح لایحه بودجه در مجلس با سر وصدای زیاد در مطبوعات اعلام میشد که بودجه «بدون کسری» است. این دعوی بکلی بی‌پایه است. یك نگاه سطحی به منابع درآمد های بودجه میزان کسری آنرا نشان میدهد. در جدول شماره ۱ از جمله منابع درآمد ـ استفاده از وامهای داخلی و خارجی ذکر شده است که جمع آنها ۷۸٫۶۰۰ میلیارد ریال میشود. درست است که دولت این‌مبالغ را دریافت میدارد ولی آنرا «درآمد» نمیتوان نامید، زیرا سر انجام باید اصل و فرع این وامها را پرداخت و آنهم با بهره های سنگین ۹ درصد برای وامهای تضمین‌شدهٔ داخلی و ۵ـ۶ درصد برای وامهای خارجی. میزان کل این بهره ها بسته به طول مدت پرداخت اصل وامها در طول ۵ سال قریب ۴۰ درصد و در طول دهسال قریب ۸۰ در صد کل وامها را تشکیل خواهد داد و کسری ۷۸٫۶۰۰ میلیارد ریال را عملا به بیش از ۱۰۰ میلیاردریال خواهند رساند. ولی کسری بودجه بدینجا پایان نمیپذیرد. دولت علاوه بر این وامها هر سال از سیستم بانکی نیز مبالغ هنگفتی برای جبران کسری بودجه‌ها برداشت میکند. ضمناً بطوریکه آمار های بانك مرکزی نشان میدهد این برداشتها پیوسته رو بفزونی میرود. مثلا در سال ۱۳۴۴ استفاده از سیستم بانکی ۶٫۱ میلیارد ریال بود ولی در سال ۱۳۴۸ این رقم به ۱۷٫۴ و در سال ۱۳۴۹ به ۳۳٫۶ میلیارد ریال رسید و متوسط افزایش آن در طول سالهای ۴۹ ـ ۱۳۴۴ برابر ۴۰٫۷ درصد بود.

بنا بر این کسری بودجه سال ۱۳۵۱ را نیز عملا باید رقمی در حدود ۱۴۰ میلیارد ریال در نظر گرفت.

از کل ۵۴۸٫۵ میلیارد ریال این‌بودجهٔ «کاملا متعادل» و «بدون کسری» ۱۴۰ میلیارد ریال از منابع تورمی تأمین میشود و این رقم برابر با بیش از ۲۵ درصد بودجه کل و نزدیك به ۱۴ در صد تولید نا خالص ملی کشور است.

تازه این مقدار کسری در صورتی است که درآمدهای پیشبینی شده بودجه عملا تحقق پذیرد. ولی بطوریکه بررسی گزارشهای بانك مرکزی و آمار های رسمی کشور نشان میدهد درآمد های پیشبینی شده تا پایان سال تمام و کمال دریافت نمیشود.

به گزارش رسمی بانك مرکزی در تاریخ ۲۹ تیر ماه ۱۳۵۰ رجوع کنیم. در آن گفته میشود:

«در بودجه مصوب سال ۱۳۴۹ کل کشور، مجموع درآمد ها ۳۲۶٫۱ میلیارد ریال پیشبینی شده بود که ۱۳۳٫۹ میلیارد ریال آن مربوط به بودجه عادی، ۶۴٫۸ ریال مربوط به بودجه عمرانی و ۱۲۷٫۴ میلیارد ریال بقیه مربوط به بودجه مؤسسات انتفاعی و بازرگانی وابسته بدولت بود... مجموع پرداخت های بودجه کل کشور ۲۰۶٫۶ میلیارد ریال پیشبینی شده بود وقرار شد که کسری بودجه به مبلغ ۸۰٫۵ میلیارد ریال از محل وامهای داخلی و خارجی تأمین گردد... لکن عملا مجموع درآمد ها بعلت عدم تحقق قسمتی از درآمد پیشبینی شدهٔ نفت و گمرك ۱۳٫۲ میلیارد ریال... از ارقام پیشبینی شده کمتر شد» («گزارش‌سالانه و ترازنامه ۱۳۴۹» ص ۲۷ ـ ۲۸). جالب است که این بودجه نیز که عملا نه ۸۰٫۵ میلیارد بلکه ۹۳٫۷ میلیارد ریال طبق‌اعتراف مقامات رسمی مالی کشور کسری داشت هنگام طرح درمجلسین‌بودجه «بدون کسری» اعلام شده بود!

از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۵۱ ارقام بودجه های کل کشور از ۱۴۰٫۹۵۱ میلیارد به ۵۴۸٫۵ میلیارد رسیده یعنی در ظرف ۹ سال نزدیك به ۴ برابر شده‌است. ولی‌طی‌همین‌مدت کسری‌واقعی آن‌از ۳٫۴۷۰ میلیارد ریال به رقم نجومی ۱۴۰ میلیارد ریال رسیده یعنی ۴۰ برابر شده است.

کسری مستمر بودجه عواقب وخیم دربر دارد، زیرا کشور را پیوسته به وامهای‌خارجی نیازمند میکند و کشور هائی نظیر کشور ما نیز وام خارجی را ناگزیر باید از بانك های تحت تسلط امپریالیسم بگیرند و بدینطریق مالیه کشور همواره به سرمایه مالی انحصارات امپریالیستی وابسته خواهد ماند.

بودجهٔ نظامی، بودجهٔ تورمی

بودجه جدید را بمفهوم واقعی کلمه باید بودجه نظامی، بودجه تورمی نامید، چون یکی از مهمترین اقلام آن رقم بیسابقه هزینه های نظامی و منابع جبران کسری آن نیز چنانکه دیدیم منابع تورمی است. این واقعیت را خود مقامات رسمی مالی کشور نیز اعتراف میکنند. مثلا در فصل مالی «گزارش‌سالانه و ترازنامه ۱۳۴۹» بانك مرکزی گفته‌شده است: سرمایه گذاریها «تاکنون بیشتراتکاء به وامهای داخلی و خارجی داشته» است و سپس ضرورت این مطلب را خاطر نشان میسازد که پس انداز بخش دولتی باید افزایش یابد تا «به منابعی که کمتر تورمی هستند متکی گردد» (ص ۲۷ «گزارش»).

هزینه های بودجه کل ۱۳۵۱ کشور بشرح زیر است:

جدول شماره ۲

هزینه ها و پرداخت‌های بودجه کل کشور

(به میلیارد ریال)

هزینه های بودجه عادی	۲۱۵٫۹۰۰
هزینه های بودجه عمرانی	۱۷۱٫۰۰۰
هزینه های شرکتهای دولتی ومؤسسات انتفاعی وابسته بدولت	۱۵۶٫۷۰۰
هزینه های خالص دیگر مؤسسات	۴٫۹۰۰
جمع	۵۴۸٫۵۰۰

در این جدول هزینه‌های بیسابقه نظامی در شکم هزینه های بودجه عادی نهفته است. نگاهی به جدول پائین مطلب را روشن تر میکند:

جدول شماره ۳

هزینه های عادی و عمرانی

(به میلیارد ریال)

امور عمومی	۳۶٫۵۳۹
دفاع ملی	۱۰۰٫۹۴۱
امور اجتماعی	۸۳٫۰۹۴
امور اقتصادی	۱۳۸٫۱۴۰
هزینه‌های متفرقه (پرداخت اصل و فرع وامها)	۲۸٫۲۰۲

بدینسان هزینه های دفاع ملی ۱۰۰٫۹۴۱ میلیارد ریال اعلام شده است که بخودی خود رقم بیسابقه ایست و در [illegible] با ۷۸٫۵۹۳ میلیارد ریال سال ۱۳۵۰، مبلغ ۲۲٫۳۴۸ میلیارد ریال فزونی دارد. رقم ۱۰۰٫۹۴۱ میلیاردریال‌معادل‌یك میلیارد و ۳۴۵ میلیون دلار است. این رقم نسبت به بودجه کل کشور ۱۸ در صد است. مقامات رسمی کشور میکوشند برای نشان دادن سهم هزینه های نظامی بخصوص نسبت آنرا با بودجه کل کشور ملاك قرار دهند. ولی چنین مقایسه‌ای واقعیت را پرده پوشی میکند، زیرا رقم بزرگی از بودجه های کل کشور را هزینه های عمرانی تشکیل میدهد و نسبت هزینه‌های نظامی را باید در قیاس با بودجه عادی کشور در نظر گرفت نه در قیاس با بودجه کل. در اینصورت نسبت هزینه های نظامی ایران ۴۷ در صد بودجه خواهد شد و این نسبت نشانگر واقعیت است نه هر نسبتی که دلخواه است. اگر جز این می‌بود هزینه‌های نظامی امریکا در قبال جمع بودجه عادی وبودجه‌های انحصارات بزرگ در صد خیلی کمتری را تشکیل میداد.

تازه مطلب بدینجا پایان نمیپذیرد، زیرا در هزینه های نظامی ایران بهره های وام های نظامی سالهای گذشته که هر سال رقم

دنباله در صفحه ۳

دنباله ازصفحه ۲

تحلیلی از بودجه کل سال ۱۳۵۱

بزرگی را تشکیل میدهد و نیز هزینهٔ راههائی را که در درجه اول برای هدفهای استراتژیك احداث میشود (مانند راهی که ایران را به آسیای جنوب شرقی متصل خواهد ساخت) و نیز هزینه‌های ساختمان فرودگاههای نظامی، توسعه نظامی بندرگاهها، شبکه مخابراتی سرتاسری سنتو و اعتبارات سری دیگر منظور نشده است. در این زمینه بویژه بهره وامها اهمیت بسیار دارد. صحیح است که در بودجه های کل بخش عمده وامها در زمرهٔ هزینه های عمرانی قلمداد میگردد ولی اگر هزینه های هنگفت تسلیحاتی و وامهای ناشی از آن نمی بود طبعاً نیازی به مقادیر عظیم وام و بهره های سنگین آن پیش نمیآمد. وامها بطور عمده برای تسلیحات اخذ میشود و بهره آنها را هم باید بحساب هزینه های نظامی ریخت.

درآمد نفت بکام سوداگران اسلحه

بدینسان میزان واقعی هزینه‌های نظامی از ۹۴۱ر۱۰۰ میلیارد بیشتر میشود و برقمی بالغ بر یك میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار یعنی تقریباً به درآمد نفت میرسد. بیهوده نیست که بموازات افزایش درآمد نفت هزینه های نظامی نیز همه ساله افزایش یافته است. در سال ۱۳۳۴ یعنی سال ورود به پیمان بغداد - سنتو هزینه های نظامی ایران ۴ میلیارد ریال یعنی معادل ۵۳ میلیون دلار و در سال ۱۳۴۱ یعنی آغاز «انقلاب سفید» ۷۳۸ر۱۱ میلیارد یا در حدود ۱۵۶ میلیون دلار بود و اکنون عملا به ۱۲۰ - ۱۴۰ میلیارد ریال یا یك میلیارد و ۶۰۰ تا یك میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار رسیده که در قیاس با سال ورود به پیمان بغداد ۳۰ - ۳۴ برابر و در قیاس با آغاز «انقلاب سفید» بیش از ۱۰ - ۱۱ برابر شده و هیستری میلیتاریزاسیون سال به سال این نسبت را بیشتر میکند.

پس اگر از رقم ۵۴۸ر۵ میلیارد ریال بودجه کل کشور که رقم بیسابقه نامیده شده کسری واقعی ۱۴۰ میلیارد ریالی و هزینه های ۱۴۰ میلیارد ریالی واقعی نظامی را کسر کنیم آنوقت رقم بودجه دیگر بیسابقه نخواهد بود زیرا از آن فقط ۲۶۸ میلیارد ریال خواهد ماند.

از سوی دیگر: از کل رقم ۵۴۸ر۵ میلیارد ریال ۱۷۸ر۰۰ میلیارد آن از محل درآمد نفت است که هیچگونه پیوند طبیعی و ارگانیك با اقتصاد ایران ندارد. این رقم باضافه ۱۴۰ میلیارد ریال کسری واقعی بودجه میشود در حدود ۳۱۸ میلیارد ریال که بسی بیش از نصف بودجه کل است و اگر از آن کسر شود باقی میماند فقط ۲۳۰ میلیارد ریال! برای هزینه های نظامی ۱۴۰ میلیارد ریال صرف میشود ولی برای تمام امور اقتصادی کشور ۱۳۸ میلیارد ریال! درطول ده سال اخیر جمع کل هزینه های نظامی بعلت شرکت در بنوکهای تجاوزکار امپریالیستی بالغ بر ۸ - ۷ میلیارد دلار یعنی در حدود کل درآمد حاصله از ثروت نفت ایران است.

انحصارات نفتخوار ثروت نفت ما را بتاراج میبرند و آنچه را هم که بابت این تاراج میپردازند از یك دست میدهند و از دست دیگربابت بهای تسلیحات بکلی نامتناسب با نیازمندیهای واقعاً دفاعی ایران می ستانند و بعبارت دیگر افزایش درآمد نفت نه تنها عملا باقتصاد کشور سودی نمیرساند بلکه با صرف مستقیم و غیر مستقیم آن برای میلیتاریزاسیون و شرکت در مسابقه تسلیحاتی امپریالیستها بآن زیان میرساند. لذا افزایش درآمد های نفت (با آنکه فی‌نفسه مبارزه در راه آن ضروریست) متأسفانه با این کیفیت نمیتواند بخودی خود برای مردم ما پدیده شادی آور تلقی گردد.

البته اینها فقط عواقب اقتصادی شرکت ایران در مسابقه تسلیحاتی اردوی امپریالیستها است. خطرناکتر از آن، عواقب سیاسی میلیتاریزاسیون روز افزون ایران است. پیروی از سیاست میلیتاریزاسیون نه تنها بر وخامت اوضاع در خاور میانه میافزاید بلکه تسلط امپریالیسم را نیز در آخرین تحلیل بر کشور ما تشدید میکند. بیهوده نیست که امپریالیستها همیشه کوشیده اند ایران را در بلوکهای نظامی تجاوز کار خود نگاهدارند. در سال ۱۹۳۸ پیمان نا فرجام سعد آباد را بهم وصله و پینه کردند (انگلستان) و پس‌از جنگ جهانی دوم ایران را نخست به پیمان بغداد - سنتو کشاندند و سپس قراردادنظامی دو جانبه با امریکا را بآن تحمیل کردند و اکنون ایران را بیش از پیش به شرکت در ماجراهای خطرناك خود در خلیج فارس و اقیانوس هند وامیدارند و هزینه های آنرا هم ازمحل درآمد نفت تأمین میکنند.

«تئوری» نخست وزیر

چنین است ماهیت واقعی بودجه کل سال ۱۳۵۱ کشور.

خصلت اساسی این بودجه ماهیت‌نظامی - تورمی آن با تمام عواقب هلاکتبار آنست. تشدید روز افزون خطر تورم موجبات‌نگرانی محافل صنعتی و بازرگانی ایران را فراهم ساخته است.

نخست وزیر ضمن‌نطقی که هنگام تصویب بودجه در مجلس ایراد کرد برای «توجیه» واقعیت تورم درایران (که ضمناً برای‌نخستین بار از طرف یك مقام رسمی بآن اعتراف میشود) به «تئوری» مشهور بورژوآئی «ارتباط ناگزیر عوامل تورم با توسعه اقتصادی» استناد ورزید و گفت: «یکی از پیچیده ترین مسائل اقتصادی خاصه در مورد کشور های در حال توسعه، تلفیق توسعه اقتصادی با عوامل تورم است، زیرا اقتضای طبع توسعه - افزایش سطح قیمت هاست».

نخست وزیر سپس در حالیکه میکوشید مسئله «افزایش قیمتها» و مسئله «تورم» را با هم خلط کند نتیجه گرفت که «این افزایش خود یکی از معیار ها و نشانه های توسعه اقتصادی است».

در پاسخ استناد به این «تئوری» بورژوآئی باید بگوئیم که علل تورم درایران بکلی غیر از آنست که نخست وزیر میکوشد جلوه گر سازد. تورم کنونی در ایران همانگونه که در این مقاله تشریح شد از دو عامل اساسی ناشی میگردد: اولا ارقام‌نجومی کسری های مزمن همه ساله و توسل بوامهای داخلی و خارجی با بهره های سنگین بعنوان منابع جبران آنها و ثانیاً هزینه های نظامی بکلی نامتناسب و واقعاً توانفرسا.

افزایش قیمت کالا های معین در اثر رشد و توسعه اقتصاد بخودی خود موجب تورم نمیشود و ارزش پول را در قبال ارزهای عمده جهان سرمایه داری پائین نمیآورد، زیرا رشد و توسعه اقتصادی بنیه اقتصادی کشور را قوی تر میکند و تولید ملی را افزایش میدهد وقدرت مقاومت پول کشوررا در قبال ارز های خارجی بالاتر میبرد. هر افزایش قیمتی نمودار تورم نیست و هرتورمی هم معلول افزایش قیمتها نیست. خلط این‌دو مقوله اقتصادی با هم نادرست است. توسعه اقتصادی اگر قیمت برخی کالا های مصرفی را بالا میبرد در مقابل قیمت بسیاری از کالا های دیگری را که در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی تولید آنها افزایش مییابد پائین میآورد. تشدید روز افزون تورم کنونی در ایران فقط از دو عامل پیشگفته ناشی میشود و لاغیر. بیهوده نیست که ارزش ریال سال بسال در قیاس با ارزهای‌عمده جهانی پائین‌تر میآید و هزینه زندگی سال بسال افزایش‌مییابد. براستی «دست مریزاد» میخواهد که کشوری با چنین ثروت‌عظیم نفت و با بیش از ۲ میلیارد دلار درآمد سالیانه نفت در معرض خطرواقعی تورم باشد و پیوسته برای قرض دست گدائی بسوی بانکهای امپریالیستی دراز کند!

بار سنگین این بودجه و عواقب تورمی آن نیز به گرده زحمتکشان ایران است که باید گرانی روزافزون هزینه زندگی را تحمل کنند.

بهمین جهت نارضایتی مردم پیوسته تشدید میگردد و آنانرا بیش از پیش بمبارزه پیگیر و قاطع علیه رژیم میکشاند.

م. پ. هرمز

دنباله از صفحه ۱

موج خشم و پیکار بر ضد بیدادگری رژیم

رعایت قانون ملزم سازند.

پس از صدور نخستین احکام اعدام به ابتکار کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی، در حدود ۱۰۰ نفر از نمایندگان سازمانهای دانشجویان ایرانی در فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا و اتریش در شهر پاریس اعتصاب غذا کردند. اعتصاب کنندگان تقاضا داشتند که تمام احکام‌اعدام لغو گردد و دولت ایران شرایط لازم را برای ورود حقوقدانان و پزشکان از جانب سازمانهای بین المللی برای رسیدگی بوضع زندانیان سیاسی و چگونگی دادگاههای نظامی فراهم کند. این اعتصاب که ازروز ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن) آغاز شد، روزدوشنبه ۲۸ فوریه یعنی پس از ۱۴ روز با وساطت سازمانهای معتبری چون جامعه حقوق بشر در سویس، کنگره حقوقدانان امریکا و شخصیتهائی‌چون «آلبر نائی» جانشین‌مارتین لوتر کینگ و هانری رولان رئیس انجمن طرفداران حقوق بشر در اروپا پایان یافت. این سازمانها و شخصیت ها وعده کردند که بوسیله سازمان ملل متحد و برقراری ارتباط با دولت ایران، تقاضا های دانشجویان را بر آورده سازند. برای اعتصاب کنندگان نه تنها نامه ها و پیام های همبستگی از سراسر اروپا و امریکا رسید، بلکه از ایران نیز علیرغم‌فشار، دو نامه و پیام برای اعتصاب کنندگان ارسال شد. نخستین پیام از جانب دانشجویان زندانی دانشگاه تهران بود، «مقاومت، درودها و سلامهای گرم ما به تمام‌کسانی که از ما پشتیبانی کرده‌اند. پیروزی با ماست.»

نامهٔ دیگر از روحانیون زندانی که به وضع دادگاهها و زندانها اعتراض کرده و همدردی خود را اعلام داشته بودند.

درمحل‌اعتصاب یك کنفرانس مطبوعاتی ترتیب داده شد که شخصیتهای بر جسته‌ای از سازمانهای‌بین‌المللی‌درآن‌شرکت جستند. از جمله سخنرانان این کنفرانس آقای «کریستین گروبر» نماینده مجلس ژنو و نماینده جامعه حقوق بشر سویس و کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان بود که ضمن توضیح مشاهدات خود در ایران، بر خورد مقامات مربوطه با وی و جریان یکی از دادگاه های نظامی اخیر گفت:

«در ایران هیچگاه شروع دادگاه قبلا اعلام نمیشود و این تصادفی بود که در مدت اقامت من در تهران یکی از دادگاهها تشکیل بود و من‌توانستم بالاخره‌یك روز در دادگاه شرکت کنم.

در دادگاه هیچگونه شاهدی شرکت نداشت. مدارك کافی هم علیه متهمین موجود نبود.»

نماینده فدراسیون جهانی حقوق بشر «ژاکلین پورتل» و نماینده سازمان ملی حقوقدانان امریکا «جون پولن» که در اواخر دسامبر گذشته و آغاز ژانویه سال جاری برای اطلاع از وضع زندانیان سیاسی و شرکت در دادگاهها به ایران سفر کردند نه اجازه ملاقات با زندانیان به آنها داده شد و نه دادگاههای نظامی آنها را پذیرفتند.

«ژاکلین پورتل» نماینده فدراسیون جهانی‌حقوق بشر پس از بازگشت از ایران در گزارش خود یاد آور میشود که:

«با توجه به گزارشات اضطراب آوری که توسط نمایندگان اعزامی قبلی فدراسیون جهانی حقوق بشر و دیگر سازمانهای بین المللی بدست آمده است میتوان با حدس قریب به یقین گفت که در ایران دستگاه اختناق پلیسی وجود دارد که بشدت متناقض با حقوق بشر است. با این وضع چیزی که بسیار قابل شگفتی است اینستکه ایران آزادانه خود را در اتحاد ملل جهان چون پیشاهنگی برای دفاع از حقوق بشر قلمداد میکند.

دنباله در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۱

در بارهٔ سفر ریچارد نیکسن به چین

با روش ضد شوروی عنان گسسته ، با احتراز از هر گونه وحدت عمل با نیروهای ضد امپریالیستی بطور عینی مهمترین کمك را به خروج امپریالیسم امریکا از بحرانی می کند که با آن دست بگریبان است .

میدانیم که در ایام اقامت نیکسن در چین بر شدت بمباراتهای ارتش متجاوز امریکا در ویت نام افزوده شده بود . جالب است که در تمام مدت اقامت هیئت نمایندگی امریکا در مطبوعات ورادیوی چین عبارت «امپریالیسم امریکا» نه بچشم خورد ، نه بگوش شنیده شد . در روزنامه «ژن‌من ژیباو» از حوادث ویت نام گاه یاد میگردیدولی همه جا ازمبارزه میهن پرستان ویت نامی علیه یك « دشمن » بی نام سخن رفته است .

فرنان مولیه خبرنگار « فرانس پرس » در ۲۵ فوریه در جریان مذاکرات نیکسن ـ چوئن‌لای چنین نوشت : «در محافل مطلع فکر می کنند که بخشی از پنجمین مذاکرات نیکسن وچوئن‌لای به‌مسئله‌ویتنام اختصاص یافته است . البته دولت چین نمی خواهد به هانوی فشار بیاورد ولی بنظر میرسد که آماده‌است از استدلالات امریکا در این مورد اطلاع یابد . کارشناسان بر آنند که این واقعیت به چین ، در قیاس با شوروی اوتوریته بیشتری خواهد داد بدون آنکه او را در مقابل امریکا متعهد سازد . » رادیوی امریکائی « ای‌ـ بی‌ـسی» درتفسیرخود در ۲۳ فوریه۱۹۷۲ چنین گفت :

«اگر سابقاً چین اصرار داشت که امریکائیها از آسیا بروند ، حال مایل است که امریکا در این منطقه نقش معینی را ایفاء کند . »

واقعیات حاکی از چیست ؟

علاوه بر سکوت چین در جریان‌حملات وحشیانهٔ هواپیما های «ب‌ـ۵۲» امریکائی در ویت نام ، خودداری چین از شرکت در «مجمع صلح و استقلال خلق‌های هندوچین» که در پاریس (ورسای) در فوریه ۱۹۷۲ تشکیل گردید نیزنمایشگر هدف های‌رهبران مائوئیست است .

میدانیم که دراین مجمع بزرگ جهانی نمایندگان ویت نام شمالی ، ویت نام جنوبی ، کامبوج و لائوس شرکت جستند . در این مجمع قطعنامه های متعددی در دفاع ازخلق های هند وچین‌تصویب شد که انعکاس‌عظیم جهانی یافت . روزنامهٔ ایتالیائی «یائزه سرا» دربارهٔ عدم شرکت‌چین در این مجمع نوشت :

«اگر چین شرکت میکرد ناچار بود به قطعنامه هائی که درباره شیوهٔ های تأمین صلح در هندوچین است و مبنی بر پیشنهاد های دولت انقلابی ویت نام جنوبی است ، رأی بدهد ، ولی‌چنانکه میدانیم دولت امریکا با این پیشنهادها باعناد تمام‌مخالفت میورزند.»

نتیجه این روش چین نه تنها نگرانی بلکه بدگمانی منطقی است که در رزمندگان ویت نامی پدید آمده است . این احساس با احساس حق شناسی عمیق نسبت به اتحاد شوروی همراه‌است که روش انترناسیونالیستی دفاع از حقوق خلق‌ها را دنبال می کند. رؤسای هیئت های نمایندگی ویت نام شمالی ویت نام‌جنوبی، لائوس در بازگشت از مجمع ورسای ، از مسکو گذشتند . اظهارات آنها نمایندهٔ افکار و احساسات باطنی آنهاست ، از آنجمله « هوانگ کوئوك ویت » عضو هیئت رئیسه جمهوری ویت نام شمالی گفت : «میل دارم بویژه دربارهٔ نقش اتحاد شوروی در گسترش مبارزات ضد امپریالیستی سخن گویم .

اتحاد شوروی‌نه‌تنهابه ویت نام درمبارزهٔ اش علیه تجاوز امریکا کمك مادی و نظامی مبذول میدارد ، بلکه پی گیرانه خواستار بهم پیوستگی همهٔ نیرو ها برای تشکیل جبههٔ واحدمبارزهٔ علیه‌امپریالیسم‌حیله گر امریکاست و مبارزه جهانی بسود هند وچین را مورد حمایت قرار میدهد . » «دانگ کوانگ مین» عضو کمیته مرکزی جبههٔ ملی ویت نام جنوبی گفت : «خلق ویت نام جنوبی پیوسته با احساس سپاسگزاری بیاد دارد که اتحاد شوروی در همهٔ جبهه ها جنگی ، اقتصادی ، دیپلماتیك بما کمکی مبذول میدارد که‌بزرگ ذیقیمت و مؤثر است . »

«ژنرال سینکایو» عضو کمیته‌مرکزی جبههٔ میهنی لائوس گفت : « ما در مبارزهٔ خود پیوسته اثر بخشی کمك همه جانبه‌معنوی و مادی اتحاد شوروی را احساس می کنیم . وقتی ما در بارهٔ این کمك می اندیشیم ، پیوسته این اندیشه با احساس سپاسگزاری عمیقی همراه است . »

چند نتیجه

نظر اصولی ما در مسئلهٔ روابط‌امریکا و چین روشن است : ما طرفدار عادی شدن روابط کشور های‌دارای سیستم های‌مختلف بر اساس همزیستی مسالمت آمیز هستیم و از این جهت‌ما به نفس بهبود روابط مابین امریکا و چین. با نظر منفی نمی‌نگریم، ما پیوسته سیاست امپریالیستی منفرد کردن چین ، منفك کردن تایوان‌از چین را بشدت محکوم کرده‌ایم . ولی همهٔ مطلب بر سر سمت و هدف و محتوی واقعی رابطه‌ای است که اکنون دائر میشود .

همکاری چین و امریکا در مسئله دفاع از قصابان پاکستانی علیه خلق بنگاله دش، روش چین در مورد ویت نام که واقعیات یاد شده از آن حکایت می کند ، تبلیغات عنان گسسته ضد شوروی رهبران چین و خودداری چین از قبول هر گونه وحدت‌عمل علیه امپریالیسم‌وانشعابگری در نهضت انقلابی جهانی ، سیاست دوروبانه چین در افریقا(که یك نمونهٔ آن بی اعتنائی به تصمیم سازمان ملل دربارهٔ منع روابط بازرگانی و اقتصادی با رژیم نژاد گرای رودزی و بسط روابط اقتصادی با این رژیم است) و دهها واقعیت دیگر چهرهٔ واقعی رهبران چین را بیش از پیش نشان میدهد .

در این موردروزنامهٔ «پراودا» بدرستی می نویسد :

« در قبال سیاست انترناسیونالیسم ، همبستگی در مبارزهٔضد امپریالیستی وسیاست همزیستی مسالمت آمیز کشور های دارای نظام مختلف اجتماعی ، امپریالیسم سیاست تشدید وخامت و تجاوز را قرار میدهد . در این تلاش برای منشعب کردن نیرو های‌رهائی بخش ، امپریالیسم از ایده‌ئولوژی بورژوا ـ ناسیونالیستی‌و شونیستی از هر نوع ، از آنتی کمونیسم و انتی سوتیسم بحد زیادی استفاده می کند . »

در اینجاست که هدفهای امپریالیسم و هدفهای رهبران مائوئیست وارد مجاری مشترك میشود . آینده‌نشان خواهد داد که این سیاست تا چه حدی‌دور خواهد رفت .

ا. س.

دنباله از صفحه ٤

موج خشم و پیکار بر ضد بیدادگری رژیم

«واکلین پورتل» در پایان‌گزارش خود مینویسد: «بدون اینکه در مسائل داخلی دولت ایران داخل‌شویم باید بگوئیم که این دولت آگاهانه به اصولی که پیروی رسمی از آنها را ضروری میداند تجاوز میکند».

دانشجویان ایرانی‌مقیم امریکا ، اتریش ایتالیا و شهر های مختلف آلمان غربی به همبستگی با اعتصاب کنندگان و اعتراض به ترور رژیم تظاهراتی با شرکت صدها دانشجوی خارجی ترتیب دادند و نامه ها و قطعنامه های‌خود را به سفارتخانه های ایران تسلیم کردند . در شهر واشنگتن دانشجویان ایرانی اعتصاب غذا نمودند .

بسیاری از شخصیت ها و سازمانها و مطبوعات جهان در جنبش اعتراض به احکام اعدام و تأمین دموکراسی فعالانه شرکت کردند ، وزیر فرهنگ ایالت ژنو ، ۲۳ نفر از حقوقدانان‌وشخصیتهای اجتماعی وفرهنگی سویس و از جمله‌آقای «تالر» رئیس انجمن حقوق بشر ، ۱۹ تن از اعضاء کابینه ایالت ژنو ، ٤۰ نفر ازشخصیتهای حقوقی وسیاسی سویس ، رئیس حزب سوسیال دموکرات سویس، ویلسون‌نمایندهٔ حزب‌کارگر انگلستان نماینده حزب سوسیالیست متحده فرانسه ، اسقف اعظم پاریس، رالف دیویدا برنائی جانشین مارتین لوتر کینگ و نیز حزب کمونیست انگلستان ، فراکسیون حزب سوسیال دموکرات آلمان غربی در پارلمان ایالت برمن، سازمانهای جوانان و دانشجویان آلمان غربی ، شعبه های مختلف حزب سوسیالیست فرانسه، کنفرانس ایالتی‌حزب کمونیست ایتالیا در پادوا ، سازمانهای دانشجوئی در ایتالیا ، روزنامه اونیتا ارگان حزب کمونیست ایتالیا ، روزنامه اواتنی ارگان حزب سوسیالیست ایتالیا ، ماك گاورن نامزد ریاست جمهوری از حزب دموکرات امریکا ، چند تن‌سناتور امریکائی ، رئیس ومعاون‌واستادان دانشگاه جرج کاون در امریکا .

رادیو و مطبوعات حزب ما علیرغم مخالفت با «مشی‌سیاسی» متهمان و تأکیدمکرر ضرورت اتخاذ مشی صحیح انقلابی در مبارزه علیه ارتجاع ایران و امپریالیسم ، به پیروی‌از اصل همگانی‌بودن دفاع از زندانیان سیاسی از آغاز دستگیریهای اخیر نقش‌برجسته‌ای در دفاع از متهمان ایفا کردند . رادیو پیك‌ایران در افشاگری رژیم استبداد ، در انعکاس‌اخبار جنبش اعتراضی خارج از کشور ، درهمدردی و همبستگی با زندانیان سیاسی وظائف خود را بمثابه سخن گوی مردم ایران بنحودرخشانی انجام داد . بدون رادیو پیك ایران انعکاس بانك خشم و اعتراض مردم ایران و جهان در پهنه‌ای چنین وسیع امکان‌نداشت . مطبوعات حزب ما نیز در دفاع از متهمان [illegible] و افشاء رژیم فعالانه شرکت نمود » .

زمامداران ایران که موج نفرت را علیه خود برانگیخته دیدند کوشیدند تا از ارگانهای تبلیغاتی‌خود برای‌نثار انواع‌دشنامها و اتهامات به «متهمان» مدد گیرند . رادیو و تلویزیون ایران تفسیر های متعددی را به لعن «محکومان» دادگاههای نظامی اختصاص دادند تا از همدردی و همبستگی مردم کشور با آنان بکاهند . جاسوسان سازمان امنیت برای «ساختن» افکار عمومی تصمیم به کشاندن مردم به «میتینگ» روز سه شنبه گرفتند و اما همچنانکه «بازی» دادگاههای نظامی هرگز نتوانست کسی را چه در داخل و چه در خارج از کشوربفریبد، «مضحکه» «میتینگ و تظاهرات» که طراح آن سازمان امنیت‌است نیز قادر بفریب [illegible] احدی نیست . سیمای بی رتوش رژیم را مر[illegible]زان و جهانیان بدرستی میشناسند .

جالب است که حتی قضات دست‌نشاندهٔ دادگاههای نظامی ، اتهام ضدیت با «سلطنت مشروطه» را دربرخی احکام صادره تکرار نکردند و «جرم» متهمان را ضدیت با «سلطنت» اعلام نموده اند ، «جرمی» که معلوم نیست بر اساس کدام ماده از کدام قانون ، مجازات آن اعدام است ، زیرا حتی در قوانین مورد استناد دادستان هم مجازات ضدیت با «سلطنت مشروطه» اعدام است و نه «سلطنت» .

جنبش اعتراضی علیه اختناق و بی‌قانونی رژیم را با ید بیش از پیش تقویت کرد و زندگیهای جوانی را که هنوز در خطر مرگ اند نجات داد . رژیم ایران علیرغم آنکه میخواهد خود را به افکار عمومی جهان بی اعتنا نشان دهد ، از میلیونها چشم و گوشی که مراقب اقدامات خلاف قانون اوست وحشت دارد . باید بیش از پیش رژیم‌را افشا نمود و از افکار عمومی جهان در این راه یاری گرفت .

مینو

ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

برنامه صلح اتحاد شوروی

از سخنرانی رفیق لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در کنگره پانزدهم سندیکاهای اتحاد شوروی

پانزدهمین کنگره سندیکاهای اتحاد شوروی در روزهای ۲۰-۲۴ مارس ۱۹۷۲ در کاخ کرملین مسکو برگزار شد. نمایندگان بزرگترین سازمان زحمتکشان جهان که بیش از ۹۸ میلیون نفر در آن عضویت دارند از فعالیت خود در طول چهار سالی که از کنگره پیشین آن گذشته است نتیجه گیری کردند و وظایف جدید و طرق شرکت اثر بخش تر خود را در کار آتی ساختمان کمونیسم مشخص ساختند.

۱۳۷ هیئت نمایندگی کارگری از ۱۰۳ کشور جهان و ۹ هیئت نمایندگی بین المللی در کنگره حضور داشتند.

کنگره نمودار بارزی از اتحاد طبقه کارگر، دهقانان کلخوزی و روشنفکران شوروی و مظهر درخشانی از انترناسیونالیسم پرولتری و همبستگی برادرانه طبقه کارگر و تمام زحمتکشان شوروی در مبارزه ملل علیه امپریالیسم و در راه آزادی و استقلال ملی و سوسیالیسم بود.

رفیق لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در کنگره ضمن سخنرانی عمیق و پر مضمون خود پس از تحلیل وضع عمومی اقتصادی اتحاد شوروی و پیشرفتهای عظیم و الهام بخش آن در شئون مختلف حیات کشور به تشریح یك سلسله مسائل مهم در زمینه سیاست خارجی پرداخت که حل آنها با تحکیم صلح جهانی پیوند ناگسستنی دارد و در حال حاضر افکار مردم جهان و دولتها را بخود مشغول میدارد.

رفیق برژنف خاطر نشان ساخت که:

مسائل سیاست خارجی جزء لاینفك و بسیار مهمی از فعالیت حزب و دولت شوروی را تشکیل میدهند. جهات اساسی و وظائف اساسی سیاست خارجی ما را در مرحله کنونی کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی معین کرده است. برنامه مصوبه کنگره که به برنامه صلح شوروی مشهور شده است بنحو پیگیر تحقق میپذیرد و عامل مؤثری را در سیاست جهانی تشکیل میدهد.

مشی اصولی ما عبارتست از دفاع اثر بخش از صلح و آزادی و امنیت ملل. ما این مشی را باتفاق دوستان و متحدین خویش عملی میکنیم و درجریان آن اقدامات خود را درصحنه بین المللی هم آهنگ میسازیم...

اجلاس اخیر کمیته سیاسی مشورتی کشور های عضو پیمان ورشو که در ژانویه سال جاری در پراگ تشکیل شد به بررسی مسائل اروپا اختصاص داشت. تصمیمات مهمی اتخاذ گردید که محتوی آنها عبارتست از کمك مجدانه به تحکیم امنیت اروپا... بطوریکه میدانید ما برای تأمین امنیت اروپا تشکیل کنفرانس سراسری اروپا را پیشنهاد کرده ایم.

اکنون در اروپا میتوان گفت که دیگر دولتی نیست که بنحوی از انحاء پشتیبانی خود را از تشکیل کنفرانس امنیت و همکاری اعلام نکرده باشد. کانادا هم با این پیشنهاد موافق است. بطوریکه گزارش رئیس جمهور نیکسون به کنگره امریکا نشان میدهد ایالات متحده امریکا نیز از این کنفرانس پشتیبانی میکند. حال باید تاریخ تشکیل کنفرانس را معلوم داشت و مسائل عمده دستور روز آنرا متفقاً معین کرد...

سخنران سپس خاطر نشان ساخت که کشور های سوسیالیستی بنحو پیگیر در راه توسعه روابط مبتنی بر منافع مشترك با دول بخش سرمایه داری اروپا میکوشند. در این زمینه نتایج مشهودی بدست آمده است. این مطلب بخصوص در مناسبات با فرانسه، فنلاند و کشور های اسکاندیناوی صادق است.

وی افزود که درمناسبات ما باجمهوری فدرال آلمان پیشرفتهای مهمی درجهت مثبت پدید آمده است. این پیشرفتها در نتیجه امضای قرارداد میان اتحاد شوروی و جمهوری فدرال آلمان و نیز قرار داد میان لهستان و جمهوری فدرال آلمان میسر گردیده است.

اکنون این قرار دادها جریان تصویب خود را میگذرانند. در شورایعالی اتحاد شوروی و در مجلس جمهوری توده‌ای لهستان و در مجالس منطقه‌ای جمهوری فدرال آلمان نیز پیرامون این قراردادها بحث و مذاکره صورت میگیرد.

تردید نیست که تصویب قرار داد میان اتحاد شوروی وجمهوری فدرال آلمان مرحلهٔ دارای کیفیت نوین و بسیار ثمربخش تری را در رشته های گوناگون مناسبات میان اتحاد شوروی و آلمان غربی پدید خواهد آورد... بنظر ما این امر علاوه برآنکه با منافع اتحاد شوروی و آلمان غربی مطابقت دارد برای تحکیم صلح اروپا نیز اهمیت بسیار زیادخواهد داشت.

بر سر مسئله تصویب قرار داد ها در جمهوری فدرال آلمان مبارزه بسیار شدیدی در گرفته است. سیاستمدارانی را می‌بینیم که بمخالفت با این قرار داد ها برمیخیزند و حتی به صلاح بودن امکان آشتی واقعی و توسعه مناسبات عادی میان آلمان غربی و کشورهای سوسیالیستی بدیده تردید مینگرند.

منظور مخالفان این قرار دادها چیست؟ آنها نقشه های خود را پنهان نمیدارند. این قرار دادها بنظر آنها خوب نمیآید زیرا خلل ناپذیری مرزهای موجود اروپا را تثبیت میکند. باینجهت این نغمه را ساز کرده اند که این مواد در قرار دادها «مورد تجدید نظر قرار گیرد». ولی مگر روشن نیست که مخالفان قرار داد ها برای مذاکره در باره تجدید نظر در مرز ها مصاحبی ندارند و نخواهند داشت. این موضوع نه درحال حاضر و نه در آینده محلی برای بحث و مذاکره نخواهد داشت. مرز های کشور های سوسیالیستی خلل ناپذیرند و قرار داد ها فقط انعکاسی از واقعیت موجود هستند.

مخالفان قرار داد ها پنهان نمیدارند که خواستار تضعیف حاکمیت جمهوری دموکراتیك آلمان هستند. در این زمینه هم آنها میخواهند به دیروز باز گردند. جمهوری دموکراتیك آلمان اکنون قریب ربع قرن است که با گامهای استوار در راه سوسیالیسم پیش میرود. این جمهوری در زندگی بین‌المللی کنونی از شرکت کنندگان فعال است. کسی که نخواهد این واقعیت را در نظر گیرد و از آن نتایج لازم اخذ کند فقط سیاست خود را به بن بست میکشاند.

دیری است که باید این مطلب روشن شده باشد که برقراری مناسبات واقعاً عادی در اروپا بدون در نظر گرفتن موقعیت کامل و همه جانبه جمهوری دموکراتیك آلمان بمثابه کشور سوسیالیستی مستقل حاکم بر حقوق خویش تحقق پذیر نیست و نمیتواند باشد.

جمهوری فدرال آلمان اکنون انتخاب حساس و پر مسئولیتی را در برابر دارد که چگونگی آن سرنوشت مردم آن و رفتار کشور های دیگر را در قبال آن برای سالیان درازی در آینده معین خواهد کرد. این انتخاب انتخاب همکاری یا جبهه گیری، کاهش وخامت یا تشدید وخامت و در آخرین تحلیل انتخاب سیاست صلح یا سیاست جنگ است.

در مورد اتحاد شوروی باید بگوئیم که ما به امر بهبودی مناسبات با جمهوری فدرال آلمان برخوردی صادقانه و جدی داریم، اگر چه این امر برای کشور ما بعلل معلوم مسئلهٔ ساده‌ای نیست. بلایای جنگ گذشته ومصائبی که در اثر تجاوز هیتلری بر سر مردم ما آمد هنوز در خاطره مردم شوروی زنده است. ولی ما برآنیم که گذشته تلخ نباید الی الابد بصورت مانع رفع ناپذیر در راه توسعه مناسبات ما با آلمان غربی باقی بماند. ما این واقعیت را هم در نظر میگیریم که اکثریت مردم آلمان غربی هوادار بهبود مناسبات با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی هستند.

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در ادامه سخنان خود گفت:

جنگ هندوچین که باعتراف رئیس جمهور امریکا «طولانی ترین و سخت ترین جنگ در تاریخ امریکا» است بی پایگی سیاست امپریالیستی را در زمینه تجاوز و ستمگری بر خلقها کاملا آشکار ساخته است. امریکا اکنون امیدش برآنست که در درجه اول بکمك مزدوران محلی خود مبارزه آزادی بخش ملی را در هندوچین در هم کوبد تا از این رهگذر مواضع سیاسی و استراتژیك خود را در این منطقه حفظ کند. به این امر در واشنگتن عنوان «ویتنامیزه کردن» جنگ اطلاق میگردد. میخواهند اونیفورم امریکائی را که به نیروی میهن پرستان هندوچین بکلی اسقاط شده و از هم دریده است با اونیفورم سربازان دست نشانده عوض کنند، ولی آستر سیاسی آنرا بهمان صورت سابق یعنی امریکائی نگاهدارند.

میهن پرستان ویتنام، لائوس و کامبوج به کنه این مانورها خوب پی میبرند. ملل هندوچین باتکاء کمك و پشتیبانی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دیگر مبارزه خود را علیه متجاوز در تمام جبهه ها اعم از نظامی، دیپلماتیك و سیاسی ادامه میدهند.

مردم شوروی دراین پیکار تمام و کمال از ملل هندوچین جانبداری میکنند. کمك به این ملل وظیفه انترناسیونالیستی ما است و ما باین وظیفه تا پایان آن وفادار خواهیم ماند. اتحاد شوروی عمل راهزنانه بمباران خاك جمهوری دموکراتیك ویتنام را که توسط هواپیماهای امریکائی انجام میگیرد با خشم تمام محکوم میکند و قطع این بمبارانها را طلب مینماید. ما از تمام پیشنهادهای جمهوری دموکراتیك ویتنام و جمهوری ویتنام جنوبی پشتیبانی میکنیم. ما خواستار خروج مهاجمین از سرزمین هندوچین هستیم، ما خواستار آنیم که ملل این منطقه مستقل باشند و سرنوشت خویش را خودشان بدون هیچگونه مداخله و فشاری از خارج تعیین کنند.

خاور نزدیك بکانون دمبدم خطرناکتر وخامت تبدیل میشود. استنکاف لجوجانه اسرائیل ازتخلیه سرزمینهای اشغالی در کشور های عربی و تحریکات دائم نظامیان اسرائیلی علیه دول عرب محیط را داغ میکند و خطر انفجار جنگ پدید میآورد.

کشورهای عربی آمادگی خود را برای حل و فصل سیاسی اختلاف و برقراری صلح استوار و مطمئن در خاور نزدیك بنحو مقنع نشان داده اند. اسرائیل بسبب مسامحه و پشتیبانی امریکا در ادامه سیاست تجاوزکارانه و اشغالگرانه خود لجاج میورزد. ولی باین وضع نمیتوان بی پایان ادامه داد. سیاستمداران صاحب عقل سلیم مشکل بتوانند چنین فکری بخود راه دهند که کشور های عربی در مقابل اشغال سرزمینهای خویش سازگار شوند.

جهان عرب امروز دیگر آن نیست که چند سال پیش بود. رژیمهای مترقی تحکیم

دنباله در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱

برنامه صلح اتحاد شوروی

از سخنرانی رفیق لئونید برژنف

یافته اند ، همکاری اعراب با یکدیگر بسط میابد و قدرت نظامی و دفاعی کشور های عربی بسی افزایش پذیرفته است . این عوامل همه دیرپا هستند و همین عوامل نیز در آخرین تحلیل تناسب نیرو ها را در خاور نزدیك معین میکنند .

دوستی و همکاری اتحاد شوروی با کشور های مترقی عرب پیوسته توسعه میابد و تحکیم میپذیرد . . . صریحاً میتوان گفت که مناسبات ما با دوستان عربمان هیچگاه چنین عمیق و همه جانبه نبوده است .

رفیق برژنف سپس خاطر نشان ساخت که مناسبات با کشورهای آسیا در این اواخر جای روز بروز بیشتری در سیاست ما میگیرد و علت آنهم روشن است زیرا قریب دو سوم خاك اتحاد شوروی در قاره آسیا واقعست .

نقش آسیا نیز در سیاست جهانی در پرتو کامیابیهای جنبش آزادیبخش ملی و اجتماعی ملل آسیا و رشد اقتصادی کشورهای آسیائی بسرعت بالا میرود .

اتحاد شوروی هوادار توسعه مناسبات کاملا حسنه با کشور های آسیائی است . هدف ما کمك به تحکیم صلح در آسیا و مساعدت به نیروهای ترقیخواه آسیا در مبارزه علیه امپریالیسم وصور گوناگون استعماراست .

میان ما و کشور های سوسیالیستی آسیای جمهوری توده‌ای مغولستان ، جمهوری دموکراتیك ویتنام و جمهوری توده‌ای دموکراتیك کره مناسبات برادرانه و همکاری همه جانبه برقراراست و این مناسبات کامیابانه توسعه می یابد .

ما خرسندیم از اینکه میان ما و بسیاری از کشور های آسیا نظیر افغانستان ، برمه ، سیلان ، ایران و ترکیه مناسبات حسنه برقرار شده است ، گرچه باید گفت که مناسبات با برخی از این کشور ها میتوانست از آنچه که اکنون هست بهتر باشد . ما بسهم خود تمام مساعی لازم را برای توسعه این مناسبات بکار خواهیم برد .

ما برای تقویت روز افزون دوستی خود با هندوستان و با خلق بزرگ هند که در راه آزادی ، استقلال و ترقی پیش میرود اهمیت بسیار زیاد قائلیم . مناسبات ما با هندوستان طی تمام سال های استقلال آن پیوسته در حال تحکیم بوده است . در نتیجه همین امر بود که پیمان صلح و دوستی و همکاری شوروی و هند پدید آمد .

ما در تمایل خود به تقویت مبانی دوستی با هندوستان از تفاهم کامل و تمایل متقابل دولت هند برهبری ایندیرا گاندی رهبر برجسته مردم هند برخورداریم .

اکنون بطوریکه میدانید در شبه جزیره هندوستان وضع جدیدی پدیده آمده است . پیکار آزادیبخش مردم بنگال شرقی به تشکیل دولت مستقل جدید جمهوری خلق بنگلادش انجامید . ۷۵ میلیون نفر حق استقلال و رشد ملی بکف آورده‌اند و ما این پیروزی بزرگ را از صدق دل بآنان شادباش میگوئیم .

مشی ما در پشتیبانی از جمهوری بنگلادش وهمکاری با آن از سیاست اصولی حزب کمونیست و دولت شوروی ناشی میشود . همین چندی پیش شیخ مجیب الرحمان نخست وزیر بنگلادش از کشور ما دیدن کرد . ما امیدواریم که این دیدار شاخص مهمی در مناسبات میان کشور های ما باشد . ما بسهم خود در آینده نیز تمام مساعی خود را برای تحکیم مناسبات خود با جمهوری بنگلادش بکار خواهیم برد .

میخواهم خاطر نشان کنم که ما در عین حال هوادار مناسبات حسنه با پاکستان هستیم . میان ما و این کشور هیچگونه تناقض و تضاد منافع وجود ندارد . دیدار رئیس جمهوری پاکستان بوتو از اتحاد شوروی که چند روز پیش پایان یافت نشان داد که برای توسعه مناسبات حسنه میان کشور های ما شرایط لازم موجود است .

ما ایضاً هوادار پیگیر بر قراری صلح پایدار و حسن همجواری میان هندوستان ، پاکستان و بنگلادش هستیم . این امر به بهبود وضع سیاسی در سراسر آسیا کمك فراوان خواهد کرد .

این اواخر در مناسبات ما با ژاپن چرخش مشهود در جهت بهبود صورت گرفته است . اخیراً اتحاد شوروی و ژاپن در باره مذاکره برای انعقاد پیمان صلح توافق کردند . ما این توافق را واقعه‌ای مهم و مثبت تلقی میکنیم و اطمینان داریم که عادی شدن کامل روابط شوروی و ژاپن نه تنها با منافع ملل دو کشور ما بلکه با منافع عمومی صلح و امنیت در خاور دور و حوضه اقیانوس آرام مطابقت کامل دارد .

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از اشاره به مسئله تأمین امنیت جمعی آسیا و اظهار موافقت با آن و ابراز آمادگی برای همکاری با کلیه کشور ها بمنظور تحقق این اندیشه به مسئله مناسبات با جمهوری توده‌ای چین پرداخت و گفت :

همین چندی پیش واقعه سفر نیکسون رئیس جمهور امریکا به چین و مذاکرات او با رهبران چین توجه را بخود جلب کرد . در این باره چه میتوان گفت ؟

پیش ازهرچیز باید گفت که برقراری تماس میان دو کشور و عادی کردن مناسبات میان آنها امریست کاملا طبیعی . اتحاد شوروی همواره مخالف سیاست امپریالیستی منفرد نگاهداشتن جمهوری توده‌ای چین و هوادار شناسائی شایسته نقش آن در صحنه بین‌المللی بوده است . ولی برای ارزیابی تماس های کنونی میان پکن و واشنگتن باید دید که این تماس ها برچه پایه‌ای استوار میگردد .

طرفین ملاقات پکن درباره محتوی مذاکرات و ماهیت توافق میان خود اخبار اندکی دراختیار ملل خود و جهانیان گذاردند . علاوه بر این چنین فهماندند که آنچه را که خارج از اعلامیه رسمی منتشره است تصمیم گرفته‌اند پنهان نگاهدارند و « مورد بحث قرار ندهند » . باینجهت کلام آخر را درباره اهمیت مذاکرات پکن واقعیات و اقدامات بعدی ایالات متحده امریکا و جمهوری توده‌ای چین خواهند گفت .

ولی برخی از اظهارات طرفین مذاکرات پکن را نمیتوان از نظر دور ساخت . این اظهارات زمینه‌ای برای این فکر بدست میدهد که گفتگو ها از حدود مناسبات دو جانبه میان امریکا و چین فراتر میرفته است . مثلا برای این مطلب که در ضیافت شانگهای گفته شده است : « امروز دو ملت ما (یعنی امریکا و چین) آینده سراسر جهان را بدست خود دارند » چه مفهوم دیگری میتوان قائل شد ؟

میدانیم که در پکن تا همین چندی پیش مبارزه پیگیری را که کشور شورا ها از دوران حیات لنین در راه همزیستی مسالمت آمیز انجام میدهد « رویزیونیسم » و « خیانت » اعلام میداشتند . ولی اکنون در اعلامیه چین و امریکا اصول همزیستی مسالمت آمیز کشور ها تأیید شده است . باین تأیید البته باید فقط تهنیت گفت . ولی آنچه که اهمیت دارد تنها انشاء این اصول در روی کاغذ نیست بلکه تحقق عملی آنها نیز هست .

بطور کلی باید گفت که درباره دیدار پکن نظریات و حدسیات بسیار گوناگون بیان میگردد . ولی نظریات بجای خود و کلام آخر را ـ تکرار میکنم ـ واقعیات و اقدامات واقعی خواهند گفت . بهمین جهت ما در ارزیابی نهائی خود شتاب نمیکنیم . آینده و شاید هم آینده نزدیك نشان خواهد داد که وضع واقعی بر چه منوال است ، آنگاه ما از آن نتیجه گیری عملی لازم خواهیم کرد .

در مورد روابط ما با جمهوری توده‌ای چین باید خاطر نشان کنیم که موضعگیری اصولی حزب ما و دولت شوروی در اسناد کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی بروشنی تشریح شده است . در قطعنامه کنگره تصریح گردیده است که حزب ما هوادار دفاع پیگیر از اصول مارکسیسم ـ لنینیسم ، تحکیم مجدانه وحدت جنبش جهانی کمونیستی و دفاع از مصالح و منافع میهن سوسیالیستی است . سپس در قطعنامه خاطر نشان شده است که : « کنگره یاوه های افترا آمیز تبلیغات چین را درباره سیاست حزب و دولت ما جداً مردود اعلام میکند . ضمن حال حزب ما طرفدار اعادهٔ مناسبات عادی میان اتحاد شوروی و جمهوری توده‌ای چین و احیای حسن همجواری و دوستی میان ملل شوروی و چین است . بهبود مناسبات میان اتحاد شوروی و جمهوری توده‌ای چین پاسخگوی منافع حیاتی و دیرپای هر دو کشور ، پاسخگوی منافع سوسیالیسم جهانی و تقویت مبارزه علیه امپریالیسم است » . این موضعگیری ما اکنون نیز کاملا بقوت خود باقیست .

سخنگویان رسمی چین بما میگویند که مناسبات میان اتحاد شوروی و جمهوری توده ای چین باید بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز استوار باشد . چه عیب دارد ، اگر در چین بیشتر از این اصول را در مناسبات با کشور سوسیالیستی مجاز نمیدانند . ما حاضریم مناسبات شوروی و چین را در حال حاضر بر همین پایه نیز استوار سازیم . رفقا میتوانم بشما بگویم که ما این آمادگی را فقط ابراز نمیداریم بلکه در قالب پیشنهاد های کاملا مشخص و سازنده درباره عدم تجاوز و حل و فصل مسائل مرزی و بهبود مناسبات مبتنی بر منافع مشترك نیز عرضه میداریم . این پیشنهاد ها از دیرباز بر رهبران چین معلوم است . و اینك آنها هستند که باید بآن پاسخ دهند .

همبستگی در پیکار

مردم شوروی و ارتش شوروی — پشتیبان مردم ویتنام

روزنامه « نیان زان » ارگان کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام ضمن سر مقاله ای در باره همبستگی پیکار جویانهٔ دو کشور برادر ، جمهوری دموکراتیك ویتنام و اتحاد شوروی خاطر نشان ساخته است که این همبستگی الهام بخش خلق ویتنام و نیرو های مسلح آنست و ارادهٔ آنان را برای مبارزه علیه امپریالیست های امریکا و در راه نیل به استقلال و آزادی ویتنام و تأمین امنیت اردوگاه سوسیالیستی و پیروزی نیرو های انقلابی سراسر جهان تحکیم می بخشد .

در مقاله پس از تصریح اهمیت عظیم و پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برای سرنوشت ملل جهان و تشریح قهرمانی های پر افتخار ارتش شوروی که با پیروزی های خود بر فاشیسم هیتلری و نیروهای میلیتاریستی ژاپن صفحات درخشانی در تاریخ جهان وارد کرده خاطر نشان گردیده است که :

ما از کمکهای عظیم و گرانبهای مردم و نیروهای مسلح اتحاد شوروی به امر انقلابی ویتنام برای همیشه سپاسگزاریم . ارتش شوروی با تار و مار ساختن ژاپن فاشیستی شرایط عینی مساعد برای پیروزی انقلاب اوت ما فراهم ساخت . ما در جنگ علیه استعمار گران فرانسوی و امپریالیستهای امریکائی همواره از هواخواهی و پشتیبانی خلق شوروی برادر و ارتش شوروی برخوردار بوده‌ایم . اکنون نیز حزب ، دولت ، مردم و نیرو های مسلح اتحاد شوروی به مردم و نیروهای مسلح ما در امر مقاومت در قبال تجاوز امریکا و در امر رهائی ملی و ساختمان سوسیالیسم کمك های بزرگ و مؤثر مبذول میدارند . موافقتنامه های اخیر که در باره کمك اقتصادی و نظامی اتحاد شوروی به ویتنام انعقاد یافت نموداری از همبستگی پیکارجویانه و دوستی برادرانه میان دو کشور است که بر پایه انترناسیونالیسم پرولتری استوار است . این موافقتنامه‌ها در تحقق پیروزی مردم ما نقش مهمی ایفا میکند .